

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Crescent Moon Sighting in Islamic Schools of Thought and Its Impact on the Law of Nations

Ahmad Reza Khazaei<sup>1\*</sup>

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

\* Corresponding Author's Email: [ahm.khazaei@iau.ac.ir](mailto:ahm.khazaei@iau.ac.ir)

### ABSTRACT

Crescent moon sighting is one of the fundamental issues in the jurisprudence of worship and among the matters that affect the social and legal order of Islamic societies, since the beginning and end of months such as Ramadan, Shawwal, and Dhu al-Hijjah are directly connected with devotional obligations, collective rituals, and legal consequences. The main problem of this study is to determine the criterion for establishing the new lunar crescent and to explain why the ruling on the beginning of a month may be announced differently in two geographically close regions. Using a descriptive-analytical method and referring to the jurisprudential sources of Islamic schools of thought, this article examines the methods of establishing the crescent, including sighting, completing thirty days of the preceding month, witness testimony, astronomical calculations, and the ruling of the competent authority. The findings indicate that the differences of opinion mainly revolve around two axes: "unity or plurality of lunar horizons" and "the validity or invalidity of astronomical calculations and the ruling of the authority." The study concludes that, while preserving the jurisprudential foundations of the Islamic schools of thought, the capacities of the ruling of the competent authority, reliable observational reports, and definitive astronomical data can be used to reduce disagreement and strengthen the practical unity of Muslims.

**Keywords:** *crescent moon observation, crescent sighting, Islamic schools of thought, methods of establishing the crescent, plurality of lunar horizons, unity of lunar horizons.*

تاریخ ارسال: ۶ دی ۱۴۰۱  
تاریخ بازنگری: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲  
تاریخ پذیرش: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲  
تاریخ چاپ: ۱ خرداد ۱۴۰۲

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

### استهلال در مذاهب اسلامی و تأثیر آن در حقوق ملل

احمد رضا خزائی\*

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: [ahm.khazaei@iau.ac.ir](mailto:ahm.khazaei@iau.ac.ir)

#### چکیده

رؤیت هلال ماه از مباحث بنیادین فقه عبادات و از مسائل اثرگذار در نظم اجتماعی و حقوقی جوامع اسلامی است؛ زیرا آغاز و پایان ماه‌هایی مانند رمضان، شوال و ذی‌الحجه با تکالیف عبادی، مناسک جمعی و آثار حقوقی ارتباط مستقیم دارد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که معیار ثبوت هلال چیست و چرا ممکن است در دو منطقه نزدیک، حکم آغاز ماه متفاوت اعلام شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع فقهی مذاهب اسلامی، راه‌های ثبوت هلال، از جمله رؤیت، تکمیل سی روز ماه پیشین، شهادت شهود، محاسبات نجومی و حکم حاکم را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف دیدگاه‌ها عمدتاً به دو محور «اتحاد و اختلاف مطالع» و «اعتبار یا عدم اعتبار محاسبات نجومی و حکم حاکم» بازمی‌گردد. نتیجه پژوهش آن است که با حفظ مبانی فقهی مذاهب، می‌توان از ظرفیت حکم حاکم، گزارش‌های معتبر رصدی و داده‌های قطعی نجومی برای کاهش اختلاف و تقویت وحدت عملی مسلمانان بهره برد. **کلیدواژگان:** استهلال، رؤیت هلال، مذاهب اسلامی، طرق اثبات هلال، اختلاف مطالع، اتحاد مطالع.

این شمارش بر اساس آیهی کریمه‌ی «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (توبه/ ۳۶) «همانا عدد ماه‌ها نزد خدا، در کتاب خدا، ۱۲ ماه است از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن ۱۲ ماه، ۴ ماه، ماه‌های حرام خواهد بود، این است دستور دین استوار و محکم» است که ماه‌های سال را ۱۲ عدد دانسته. این امر بر اساس خلق و تکوین جهان هستی بوده و از این‌رو با سرشت آدمی همسو است.

۱۲ ماه سال در تقویم قمری به شکلی ساده بر طبق چگونگی گردش ماه به گرد زمین تبیین شده و شامل رؤیت هلال در طی ماه‌های قمری است. تعیین ماه قمری مبتنی بر رؤیت هلال است و ناظران در آغاز هر ماه می‌کوشند تا هلال را رصد نمایند، ولی دیدن هلال در اولین شب پس از خارج شدن از محاق کار دشواری است. ماهِ شبِ اول به‌صورت هلال باریکی در غرب آسمان در نزدیکی افق، برای مدت کوتاهی نمایان می‌شود و رؤیت‌پذیری آن به شرایط متعددی بستگی دارد. هرچند ماه حدوداً ۵/۲۹ روز یک‌بار به گرد زمین می‌گردد، اما به سبب ساختار پیچیده‌ی مدار آن، زمان دقیق ظهور هلال ماه کاری صعب و چالش‌برانگیز است و مضاف بر آن ممکن است به سبب وجود ابر و غبار، یا عدم شرایط مناسب رصد، منجمان به‌آسانی قادر به تشخیص هلال ماه نباشند.

فقهها، ماه‌های قمری را از رؤیت هلال محاسبه می‌کنند و پیروی از آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاٰهِلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره/ ۱۸۹) «ای پیغمبر، از تو سؤال می‌کنند که سبب هلال‌های ماه چیست، جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات، حج، معاملات و... مردم است» است که دیدن و رؤیت هلال را شاخص و ابزاری برای شمارش ایام و انجام فرائض به مسلمانان معرفی نموده است، لذا اهمیت ماه‌های قمری و به تبع آن رؤیت هلال به این جهت است که بسیاری از اعمال عبادی همچون روزه (بقره/ ۱۸۵)، حج (بقره/ ۱۹۷)، عده زنان (بقره/ ۲۳۴)، مسائل دنیایی و مالی (بقره/ ۱۸۹)، رضاع (الاحقاف/ ۱۵) و... به این رؤیت ربط داشته و باعث شده که تاریخ هجری قمری، اولین تاریخی باشد که در عرصه‌ی اسلام و مسلمانان به کار گرفته می‌شود. این مهم تا آنجا بود که حضرت پیامبر (ص) خودشان برای رؤیت هلال اقدام می‌نمودند. در مورد هلال ماه، و منازل مختلف آن و همچنین رؤیت هلال در قرآن و احادیث پیامبر و ائمه‌ی اطهار، به کرات مطالبی بیان شده؛ بنابراین آشکار است که از حالات متفاوت ماه در آسمان، همانند هلال، تربیع، تثلیث، تسدیس، بدر و افول و نقصان آن برای مردم، علی‌رغم علم هیئت و محاسبات نجومی، با مراجعه به افراد باتجربه و زبردست در این زمینه کسب اطلاع میسر است. اعصار دیرین برای رسیدن به اهداف و فعالیت‌های روزانه به این روش بسنده کرده‌اند. لیکن در عصر کنونی، مطالب و مجهولات بحث‌برانگیزی در اذهان و افکار به وجود آمده است. مثلاً چگونه ممکن است با اثبات هلال ماه شوال در یک منطقه عید باشد و در مناطق دیگر، ولو همجوار، عید نباشد. ما در این تحقیق به نظرات فقها و استفاده از علوم جدید و تقریب دیدگاه فقها به سؤالات فوق پاسخ خواهیم داد.

## مفاهیم

## هلال

أَهْلًا: ماضی مجهول است از واژه اهلال و فریاد بلند کردن و بانگ برآوردن معنی می‌شود. و دلیل نام‌گذاری هلال قمر هر ماه بدان جهت است که هنگام دیدن آن به تکبیر و دعا آواز برمی‌آورند و اهلال در حج، به تلبیه آواز برداشتن است و نیز أهله، جمع هلال که معنی آن ماه جدید و نو است و مقصود از آن اولین دو شب مشاهده شدن هلال ماه است و برخی آورده‌اند که اولین سه شب معیار هلال بودن است. عده دیگر نیز بر این باورند تا زمانی هلال نامیده می‌شود که خط ظریف روشنی قمر را به شکل دایره می‌کند. کلمه هلال از «هل» به مفهوم «بدأ و ظهر» یا «صریخ» (فریادرس) است؛ به دلیل اینکه مردم در زمان رؤیت هلال فریاد تکبیر و تهلیل سر می‌دادند که آن را هلال نامیده‌اند و «استهل الصبی» به مفهوم این است که طفل با گریه و صدا متولد می‌شود (Ibn Juzayy al-Maliki, 2010).

از نظر اصطلاحی هلال، عبارت است از خارج شدن ماه از زیر شعاع به میزانی که دیده شدن آن، امکان‌پذیر باشد؛ اما اکثر دانشمندانِ فَنِ لغت سه شب اول ماه را هلال، و از شب چهارم تا آخر آن را قمر می‌گویند. زبیدی نیز گفته است منظور از هلال، اولین یا دو شب اول ماه بوده و سایر شب‌ها با نام قمر شناخته می‌شوند. همچنین الصحاح فی اللغة سه شب اول ماه را هلال نامیده است (Ibn Juzayy al-Maliki, 2010).

## اتحاد و اختلاف مطالع

رؤیت هلال در یک مملکت حلول ماه رمضان و عید را در کلیه‌ی ممالک اسلامی به اثبات نخواهد رساند. چرا که ممالک اسلامی در مدارهای متفاوتی قرار دارند و دارای مطالع‌های متفاوتی می‌باشند و رؤیت هلال در یک سرزمین حلول رمضان و عید را فقط در آن کشور و یا کشورهای هم‌مطلع با کشور مذکور اثبات می‌نماید. و این برهان عقلی را با یک دلیل نقلی نیز تصدیق می‌کند که: «از

صاحبان کتب سته ابن مسلم، ابوداود، ترمذی و نسایی به اتفاق نقل نموده‌اند که، کرب در اواخر رمضان از شام به مدینه برگشت و عبدالله ابن عباس از او پرسید: شما در شام چه شبی هلال را رؤیت کردید؟ کرب گفت: شب جمعه من شخصاً هلال را رؤیت کردم و مردم نیز هلال را دیده و روزه گرفتند و معاویه نیز روزه گرفت، عبدالله ابن عباس گفت اما ما شب شنبه هلال را رؤیت کردیم و روزه می‌گیریم تا سی روز را تمام کنیم، یا هلال را رؤیت نمایم» (Al-Bukhari, 1987).

هنگامی که در شهر یا مملکتی ماه را رؤیت می‌نمایند، به شهر یا سرزمین نزدیک حکم آن واجب می‌شود و دیگر به شهر یا کشورهای دورتر ربطی ندارد؛ بر طبق قول صحیح‌تر، افق کمتر از ۲۴ فرسخ نیست (Al-Shafi'i, 1973). و اتحاد مطالع، اگر در هر منطقه‌ای ماه رؤیت شد، در کل جهان اسلام این حکم نافذ است.

## هلال در قرآن

در قرآن مجید به کرات از ماه، شمس، هلال، رؤیت و کلمه‌های نزدیک به این الفاظ اشاره شده که در این بخش به توضیح برخی از آیات در این خصوص پرداخته می‌شود.

۱- «وَالْقَمَرَ قَدَرْتَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» (یس / ۳۹) «و برای گردش ماه منازلی معین کردیم که در آن منازل سیر می‌کند تا مانند شاخه خشک خرما باز گردد».

۲- «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (توبه / ۳۶) «همانا ماه‌ها نزد خدا در کتاب خدا ۱۲ ماه است از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن ۱۲ ماه، ۴ ماه، ماه‌های حرام خواهد بود و این است دین استوار و محکم».

۳- «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره / ۱۸۹) «ای پیامبر درباره‌ی هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند، به آنها بگویند که بیان اوقات برای نظام زندگی، عبادات، حج، معاملات و... مردم و تعیین وقت است».

مذاهب اسلام در این زمینه اتفاق نظر دارند که رؤیت هلال، نخستین قدم برای ورود به فریضه‌ی روزه است.

#### اثبات هلال رمضان از نظر مذاهب اسلامی

بر طبق احادیث آمده و بررسی آرای فقهای مذاهب اسلامی، هلال ماه رمضان به پنج روش ذیل مشخص می‌شود: رؤیت هلال ماه رمضان، کامل شدن سی روز ماه شعبان، حدس و سنجش نسبت به ورود هلال از طریق محاسبات نجومی و فلکی و حکم حاکم. رؤیت هلال ماه‌های رمضان و شوال به این سبب مهم است که انجام امر بین وجوب و حرام است، پس درخواست رؤیت هلال (استهلال)، و تکاپو برای دیدن هلال و اهتمام برای دیدن ماه شب نخست از نظر کلیه مذاهب اسلامی واجب کفایی است تا زمانی که ثابت شود کسانی در جستجوی هلال مشغول کار هستند (Al-Kulayni al-Razi, 1986; Al-Shafi'i, 1973; Al-Tusi, 1987).

#### شاخص‌های «دیدن» هلال ماه رمضان در مذاهب مختلف دین اسلام

میان صاحبان فتوا در امر رؤیت هلال ماه تفاوت نظر وجود دارد: معیار تعداد افراد برای تحقق مشاهده‌ی ماه یک یا دو مرد عادل بوده یا منظور دسته‌ای از مردم است؟ در کل نظر فقهای اسلامی چنین است:

حنفیه برای تشخیص هلال رمضان و شوال رؤیت مردم بسیاری را قبول دارند. در شرایطی که آسمان صاف باشد؛ لیکن در هوای ابری و مثل آن، رؤیت یک نفر عادل کفایت می‌کند (Al-Sarakhsi, 1987).

از دیدگاه مالکیه و امامیه دو نفر یا بیشتر و به عقیده آنان در مکانی که مردم رؤیت هلال برایشان مهم نیست، به مشاهده یک فرد عادل بسنده می‌کنند (Al-Kulayni al-Razi, 1986; Al-Tusi, 1987; Ibn Juzayy al-Maliki, 2010).

و از دیدگاه شافعیه و حنابله، مشاهده‌ی یک نفر عادل کفایت می‌کند؛ به عقیده‌ی شافعیه اگر مستورالحال هم باشد مکفی است.

۴- «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره/ ۱۸۵) «پس هر کس دریابد ماه رمضان را، باید روزه بدارد».

۵- «يَتَرَبَّصْنَ بَأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره/ ۲۳۴) «و زمانی که شوهران زنانی مردند باید تا چهار ماه و ده روز از شوهر کردن خودداری نمایند».

۶- «وَحَمَلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/ ۱۵) «یاد کند که مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود».

۷- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ» (یونس/ ۵) «او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد تا عدد سال‌ها و حساب کارها را بدانید، خداوند این را جز به حق نیافریده است».

#### هلال در سنت

نخستین حدیثی که از پیامبر اعظم (ص) در خصوص رؤیت هلال آمده و اساس احکام فقهی رؤیت هلال بر طبق آن استوار است، «صوموا لرؤيته و افطروا لرؤيته» «با دیدن هلال روزه بگیرید و نیز با دیدن هلال افطار نمایید» است که روزه‌ی ماه رمضان با دیدن آن واجب و با رؤیت هلال شوال هم عید فطر مشخص می‌شود (Al-Bukhari, 1987).

همه‌ی صاحبان فتوا در شاخه‌های مختلف دین اسلام بر این باورند که جمله‌ی مسلمین با آغاز ماه مبارک رمضان مکلف به ادای فریضه‌ی روزه هستند که برگرفته از آیه مبارکه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره/ ۱۸۵) مطابق فرمایش پیامبر خدا (ص) است. مسلمانان موظفند به مجرد مشاهده‌ی هلال ماه مبارک رمضان روزه گرفتن را آغاز کرده و پس از رؤیت هلال ماه شوال این تکلیف را به پایان برسانند. همچنین در فرمایشات ایشان تبیین شده در صورت عدم امکان مشاهده‌ی ماه، به واسطه شرایط جوی و صاف نبودن آسمان، ماه شعبان باید سی‌روزه در نظر گرفته شود. علمای

ولی حنابله مستورالحال را قبول نمی‌دارد و به عقیده‌ی آنها شهادت دو نفر عادل برای ماه شوال ضروری است (Al-Shafi'i, 1973; Ibn Qudamah al-Hanbali).

حنابله شهادت زن را هم پذیراست، لیکن دیگر مذاهب، مالکیه، شافعیه و امامیه، شهادت زن را برای تشخیص رؤیت هلال نمی‌پذیرند (Ibn Qudamah al-Hanbali).

#### اثبات هلال با تکمیل سی روز ماه شعبان

طریق دوم برای تشخیص هلال ماه رمضان، به پایان رسیدن سی‌امین روز ماه شعبان است؛ حتی اگر شرایط جوی و صاف نبودن آسمان مانع رؤیت ماه شود. پس اگر مسلمانان در آخرین روز ماه شعبان، شب سی‌ام، قادر به مشاهده‌ی ماه نبودند و فردی آن را رؤیت نکرد، در این حال سی روز ماه شعبان تکمیل خواهد شد. تمام مذاهب اسلامی اعم از امامیه، حنابله، مالکیه، شافعیه و حنفیه به تأسی از حدیثی مرفوع که پیامبر اکرم (ص) کامل شدن سی‌امین روز شعبان را یکی از راه‌های احراز ورود به ماه مبارک رمضان برمی‌شمارند (Al-Bukhari, 1987; Al-Kulayni al- (Razi, 1986; Al-Tusi, 1987).

#### رؤیت هلال به واسطه محاسبه و پیش‌بینی دخول ماه

راه سوم برای احراز ورود به ماه رمضان محاسبه و پیش‌بینی است. گرچه لازم به ذکر است این روش در صورتی کاربرد دارد که مشاهده‌ی آسمان به هر علتی اعم از شرایط جوی و... میسر نگردد. روایت در این زمینه با الفاظ متفاوتی در منابع مختلف نقل شده است؛ برای مثال آورده شده در صورتی که سد و حائلی بین فرد و آسمان وجود داشته باشد. در برخی احادیث چنین بیان شده است که، «إِذَا غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدِرُالْه»؛ معنی جمله‌ی «أَقْدِرُالْه» یعنی چه؟ مذاهب اسلامی در این مورد نظرات و آرای مختلف دارند. به غیر از مذهب امامیه، کلیه مذاهب دیگر اسلامی که شامل چهار مذهب اهل سنت بوده، قائل به تکمیل ۳۰ روز ماه شوال می‌باشند، اما در کتب فقه مذاهب امامیه عین عبارت «فاقدرواله» نیامده است،

ولی سلسله‌ی روایت با همین تشابه و محتوا بسیار است. در تمامی احادیث آمده از اهل بیت (ع) از محاسبه و تخمین حذر و نهی شده است؛ مانند آن که فردی از رئیس مذهب امامیه (ع) پرسش کرد که چنانچه در ۲۹ شعبان رؤیت آسمان میسر نگردد چه باید کرد؟ و ایشان در پاسخ بیان داشته‌اند که تا زمان دیده شدن هلال روزه نگیرند. همچنین از ایشان آورده‌اند که برای اهل قبله جز مشاهده و رؤیت ماه تکلیفی نیست. از امام هشتم (ع) نیز نقل کرده‌اند روزه در ماه مبارک رمضان با رؤیت واجب می‌شود و نه با ظن. همچنین امام حسن عسکری (ع) نیز فرموده‌اند روزه نگیرید مگر در صورت رؤیت ماه. علاوه بر احادیث مذکور، از فتاوی علمای صاحب‌نظر فقه شیعه همچون محمدباقر صدر، علامه حلی، موسوی‌خویی و شیخ زین‌الدین برداشت می‌شود که استفاده از روش محاسبه و پیش‌بینی در معیار قرار گرفتن برای ورود به ماه رمضان در مذهب امامیه فاقد وجاهت شرعی است (Al-Hilli, 1993; Mousavi Khoei, 1989; Sadr; Zayn al-Din, 2007).

#### اثبات رؤیت هلال به وسیله محاسبات فلکی و نجومی

مذاهب اسلامی به مشاهده‌ی هلال بر طبق علم هیئت، نجوم، حساب و دیگر علوم مربوط به موضوع که به محاسبه‌ی مکان و زمان مخصوص رؤیت ارتباط دارد، اطمینان ندارند، چرا که آن را با آیین پیامبر (ص) مخالف می‌پندارند. لیکن در بین فقهای قرن اخیر، خصوصاً قرن معاصر، برخی از آنها این موضوع را مقبول و به آن اعتقاد دارند. فقهای امامیه با توجه به احادیث وارد از ائمه، من جمله امام صادق و امام باقر و امام رضا و امام حسن عسکری (علیهم‌السلام) و دیگر امامان، اثبات هلال رمضان را از طریق علم ستاره‌شناسی و محاسبه‌ی نجومی و رفتار بر پایه آن را فاقد وجاهت شرعی دانسته و مردود می‌شمارند. شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی بیان داشته است برای احراز نمایان شدن ماه نمی‌توان از جدول استفاده نمود. همچنین بزرگان و خبرگان دیگر دوران همانند ابوالقاسم موسوی خویی، علامه حلی، سید محمدباقر صدر،

در این دوره نیز افرادی در این زمینه مشغول هستند. برهان دیگر اینکه، این علوم حدسی و گمانی است نه یقینی؛ حال آنکه کلیه‌ی اکتشافات و اختراعات جهان کنونی بر طبق علوم ظنی بوده تا آنجا که اصول اولیه‌ی آنها که علم ریاضیات است، بر مبنای ظن بنا شده و ستون‌های اخترشناسی جدید نیز مشاهده با استفاده از رصدخانه و احتساب به‌وسیله علم ریاضی است. علم ستاره‌شناسی و دیگر زیرمجموعه‌های آن به حدی پیشرفت نموده که تسخیر سایر سیارات، تشخیص و پیش‌بینی خسوف و کسوف در سده‌های آتی، شناسایی و شمارش ریزترین ذرات نجومی و تحلیل آنها از طریق جدیدترین وسایل و رایانه‌ها میسر است. تکنولوژی‌های علوم مختلف همانند علم ستاره‌شناسی، که امروزه با استفاده از محاسبات دقیق منجمان و دانش ژئوفیزیک تحت عنوان اسبابی به جهت ثبوت ماه‌ها، حقیقتی است که از حیث «قیاس اولویت» واجب است و می‌بایست پذیرفته شود؛ به این مفهوم، زمانی که سنت پیامبر برای یک مشاهده‌ی سطحی که دارای شک و تردید و محتمل است، برای ما مشروعیت دارد و تعیین شده است، پس جایز نیست که استفاده از اسباب برتر و دقیق و روشن‌تری را برای رسیدن به اهدافی که امت را از مخالفت‌های شدید در مورد تعیین شروع روزه، فطر و اعیاد دیگر محافظت می‌کند، رد کرده و مطرود نماییم. بنابراین دور از واقعیت است که امتی که همواره مشوق علم و دانش‌اندوزی است، قادر نباشد با دستاوردهای علوم متفاوت چون علم ستاره‌شناسی سازش داشته باشد.

باید به این نکته عنایت داشت که در حدیث نبوی که در قسمت‌های قبل به تفصیل به بررسی آن پرداختیم، یک هدف اصلی تعریف شده است و برای نیل به هدف مزبور نیز یک ابزار تعیین گشته است. باید دقت داشت که هدف و وسیله در روایت مزبور به دنبال ایجاد شفافیت حداکثری و قطعیت در امور عبادی مردم است، که در این مورد خاص هدف این است که در همه‌ی روزه‌های ماه رمضان به‌صورت کامل روزه گرفته شود و هیچ روزی از آن

شیخ زین‌الدین، سید محمد سعید حکیم، امام خمینی، علامه مجلسی و... جملگی بر عدم اطمینان علم ستاره‌شناسان متفق‌القول هستند؛ و تا آنجا که شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» به دلیل اینکه در آیه ۱۸۹ سوره مبارکه بقره، مواقیت را مواقیت شهر و حج دانسته و آن را خلافا قرآن می‌داند (Al-Kulayni al-Razi, 1986; Al-Tusi, 1987; Mousavi Khoei, 1989).

بیشتر فقهای مذاهب خمسسه دلیل عدم اعتبار ثبوت و مشاهده‌ی هلال از طریق علم نجوم و حساب را گمانه‌زنی آن دانسته و دلیل دیگر امتی بودن امت پیامبر (ص) در آن اعصار بوده است. در صورتی که این حدیث در مورد چگونگی و توصیف بعثت پیامبر اکرم (ص) است و بی‌سوادی آنها علتی لازم و مطلوب نخواهد بود و رسول اکرم (ص) کوشش فراوانی در جهت تعلیم و آموزش آنها نمود و برای اثبات این مطلب، تعداد قابل توجهی روایت و حدیث از ایشان نقل شده است. بنابراین هیچ منعی نیست که مردم در موقعیتی باشند که همگی باسواد و حسابگر شوند، چنانکه علم هیئت و نجوم یکی از علوم ضروری برای امت اسلامی است.

برخی علوم ستاره‌شناسی و حساب را علم سحر و جادو قلمداد می‌کنند که مشخص می‌سازد در آن عصر هم افرادی وجود داشته که بر این علم مسلط بوده‌اند، پس هر زمان محاسبه‌ی منجمان مشخص سازد هلال ماه به همان صورتی که رؤیت می‌گردد حلول کرده است، اما حاجب و مانعی مانند وضعیت جوی سد راه دیدن آن گشته، در این مورد به سبب وجود علت شرعی روزه واجب می‌گردد (Al-Qaradawi, 1991).

این در صورتی است که در آن اعصار، قرون اولیه، افرادی این علوم را قبول داشته و به آن معتقد بوده‌اند و اکنون هم تکنولوژی و خدمات گسترده‌ی این علوم را در حیات روزمره انسان‌ها درک می‌کنیم. به‌طور قطع هدف ایشان از سحر و جادو بودن این علوم در آن دوران، استفاده‌ی نادرست از این علم بوده است که اشخاص تحت این عناوین مردم را مورد سوءاستفاده قرار می‌داده‌اند؛ چنانکه

فطر و افطار دستور می‌دادند. فردی از اصحاب پیامبر (ص) می‌گوید مردم در واپسین روز در حیرت بودند تا آنکه دو نفر به مدینه آمده و در حضور پیامبر (ص) قسم یاد نمودند که هلال شوال را دیدند. حضرت مردم را امر فرمود که افطار کنند و برای نماز حاضر شوند (Al-Bukhari, 1987).

#### ثبوت رؤیت هلال در سیره عقلانی

سیره عقلانی حکم حاکم را تأیید می‌کند، چرا که پایه‌ی حکومت که از واجبات است کلیه‌ی عقل در آن متفق‌القول هستند. انسان‌ها از هر ملیت که هواخواه دین باشند در موضوعات مهمی همچون روزه، اعیاد، مراسم و شعائر نزد حاکم می‌روند. قبل ظهور دین اسلام، مردمان زمان جاهلیت در عربستان نظم‌پذیر نبوده و برای دریافت احکام در مسائلی مانند ماه‌های حرام، صلح، جنگ، حج و... به شیوخ و رؤسای خود رجوع می‌کردند و از طرف ایشان مسائل را اطلاع می‌دادند.

سیره و سلوک مسلمانان بر رجوع به حکم، در مسئله‌ی هلال در همه‌ی اعصار امری مسلم و قطعی است (Ibn Rushd al-Qurtubi, 1989). گروهی از اهل سنت حکم حاکم را با ارزش دانسته و صرفاً حکمی که از جانب حاکم صادر می‌شود را حجت می‌شمردند. فقهای شیعه نیز این موضوع را دارای حجت می‌دانند. تحقق و احراز هلال و وجوب روزه منوط به حکمی که حاکم صادر می‌کند نیست، اما اگر حاکم به هر دلیل حکم به اثبات هلال داد، بر طبق حکم او روزه بر تمامی مسلمانان واجب است، اگرچه این حکم مخالف مذاهب دیگر باشد؛ چون حکم حاکم اختلاف نظرها را برطرف می‌سازد. این موضوع به غیر از شافعیان و امامیه مورد قبول بقیه‌ی مذاهب اهل تسنن است (Al-Qarafi, 1994). فقهای حنفی اثبات مشاهده‌ی هلال را توسط حکم حاکم، سلطان، حجت نمی‌دانند و بر این منظرند که حکم حاکم در مباحث حقوقی که رابطه‌ی مستقیم با حق انسانی دارد ملاک است و برای مناقشه و جدل میان دو خصم این قدرت حاکم است که توسط آن

تغییر نکرده و روزی از ماه قبل یا بعد به آن افزوده یا کم نگردد و تعیین اول و آخر ماه توسط اسبابی امکان دارد که در دست توده‌ی مردم بوده و به هیچ وجه تکلف و حرجی در مذهب آنها نداشته باشد. در زمان پیامبر (ص) دیدن با چشم، تنها اسباب سهلی بود که در نزد عموم مردم قرار داشت و به همین سبب بود که حدیث، آن را تعیین نموده است؛ چرا که اگر آنها به اسباب دیگری غیر اسبابی، همانند محاسبات اخترشناسی و هیئت محدود می‌شدند، این کار میسر نبود؛ زیرا امت در آن دوره امی بودند و از محاسبات ستاره‌شناسی کنونی اطلاعی نداشتند. آنان موظف به انجام تکلیفی می‌شدند که قادر به انجامش نبودند، تکلیف مالایطاق. بنابراین، هر زمان اسباب دیگری برای به دست آوردن هدف وجود داشته باشد که به وسیله آن بشود هلال ماه را مشاهده کرد و از شک و تردید و احتمال خطا بری باشد، دسترسی به آن اسباب از واجبات خواهد بود.

#### حکم حاکم در اثبات رؤیت هلال

در زمان حیات حضرت محمد (ص) و دوره حکومت ایشان، پیامبر شخصاً هلال ماه رمضان را مشاهده می‌نمودند. همچنین مسلمین به مشاهده‌ی هلال ماه نزد ایشان شهادت می‌دادند و پیامبر اکرم با در نظر گرفتن شرایط شاهدان و پرسش از نحوه‌ی مشاهده‌ی آنان، در صورت حصول یقین، هلال را ثابت می‌دانستند. در سیره‌ی پیغمبر اسلام (ص) ایشان رأساً مسئول احراز نمایان شدن هلال ماه بودند و مسلمین با رجوع به آن حضرت حکم نهایی ورود به ماه را از ایشان پرسش می‌نمودند.

ابن عباس آورده است حضرت محمد (ص) بعد از شنیدن گواهی اعرابی بر مشاهده‌ی هلال ماه و قبول آن توسط ایشان، خطاب به بلال امر کرده‌اند که به مسلمین اعلام کند از فردا روزه بگیرند. در باب رؤیت هلال ماه شوال نیز احادیث متعددی موجود است که حضرت محمد (ص) بعد از احراز حلول ماه شوال آن را به جامعه‌ی مسلمانان اعلام داشته، و ایشان را به به پا داشتن نماز عید

مناقشات و کشمکش‌ها پایان می‌پذیرد و وجود او ضروری و همیشگی است و غیر از این نیست (Al-Sarakhsi, 1987). اثبات رؤیت ماه باز به وسیله گواهی دو شهود که اعلام کنند ماه را رؤیت نموده‌اند، یا به واسطه سایر ابزارها، مورد وثوق است و موجب اثبات هلال در ماه‌های شوال و رمضان است. اما برخی از صاحبان فتوا در شاخه‌ی حنفی، به جهت جلوگیری از وقوع افتراق میان مسلمین و عدم امکان تشخیص رؤیت به سبب وجود مشکلاتی چون شرایط جوی و... حجت می‌دانند (Rida, 2006).

زمانی که در اقصی نقاط جهان بین ممالک اسلامی نتوان به وحدت کلی و عمومی رسید، لاقلاً می‌بایست که برای اتحاد جزئی میان مردم یک سرزمین و یک کشور مجاهدت کرد. به هر حال روا نیست که یک مملکت و یا شهر تقسیم و تجزیه گردد، به این مفهوم که دسته‌ای روزی را رمضان پندارند و برخی در آن روز روزه نگیرند و... ایشان هم جهت بقای همبستگی جامعه اسلامی، تبعیت از رأی حاکم در اثبات رؤیت هلال رمضان و شوال را ضروری می‌دانند (Al-Qaradawi, 1991).

فقه‌های مالکی، حکم حاکم را در تأیید رؤیت هلال حجت نمی‌دانند و آن را دخول در اعمال عبادت قلمداد می‌کنند، همانند نماز و دیگر عبادات؛ همان‌طور که نراقی، العدوی هم بر این عقیده استوار هستند (Al-Qarafi, 1994).

فقه‌های شافعی، حکم حاکم را در اثبات رؤیت هلال حجت می‌دانند؛ چراکه معیار اثبات هلال رمضان تأیید حاکم، به درستی شهادت است و عدم حکم حاکم موجب عدم پذیرش مشاهده‌کننده خواهد بود. پس از نظر شافعیان تنها حکم حاکم قابل قبول است و راه‌های دیگر بدون تأیید حاکم بی‌اثر می‌دانند (Al-Shaff'i, 1973). فقه‌های حنابل، حکم حاکم را در ثبوت رؤیت هلال حجت نمی‌دانند (Ibn Qudamah al-Hanbali).

اکثر فقه‌های امامیه حکم حاکم را هرچند دلیل و بینه باشد و چه مشاهده و علم خود حاکم، حجت می‌پندارند. بعضی حجت آن را منکر شده و بیان می‌دارند که حاکم چه استناد کند به بینه و چه به شیع و تواتر و چه به رؤیت و علم خودش، رأی و نظر وی حجت نیست. برخی دیگر میان رؤیت و علم خود حاکم با استناد وی به بینه قائل به تفریق شده، مورد اول را دارای حجت و مورد دوم را ملاک عمل نمی‌دانند (Mousavi Khoei, 1989; Mughniyah, 2004).

**دلایل حجت و عدم حجت حکم حاکم در ثبوت رؤیت هلال**  
تعداد زیادی از فقه‌های مذاهب اسلامی، شافعی و امامی، به اثبات رؤیت هلال در مناسبت‌های مختلف همچون حلول ماه شوال، رمضان، قربان و... توسط رأی و نظر حاکم قائل هستند. برای این دیدگاه دلایلی ذکر شده است که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- عموم و اطلاعات روایاتی که حکم حاکم را مؤثر و رجوع به او را واجب می‌داند (Al-Qarafi, 1994; Ibn Rushd al-Qurtubi, 1989).

۲- در هر جامعه‌ای موضوعاتی همچون جنگ و صلح، اخذ مالیات و استفاده‌ی آن و اعمال سیاست داخلی و خارجی وجود دارد که آحاد جامعه به آن مکلف نیستند، بلکه از تکالیف حکومت است (Ibn Rushd al-Qurtubi, 1989).

۳- در اسلام یک سری قوانین اجتماعی از جمله حدود و قضا، جمع‌آوری زکات و... وجود دارد که مجری آن حاکم اسلامی است. بر این اساس مذاهب اسلامی بر داشتن قائد و رهبر سیاسی متفق هستند (Sarami, 1998).

۴- در اسلام تکالیف عبادی جدا نیست، چنانکه در آغاز اسلام هم این روش رایج بوده است (Al-Sarakhsi, 1987).

### ادله مخالفان حجیت حکم حاکم در ثبوت هلال ماه

۱- بنا بر این است که حکم کسی بر دیگری اولی نیست (Al-Qarafi, 1994).

۲- آنچه در احادیث آمده، به خصوص در سال‌های ابتدایی ظهور اسلام، محدود به معیار مشاهده هلال ماه توسط دو گواه و شمارش سی‌امین روز ماه رمضان و شعبان است (Ibn Qudamah al-Hanbali).

۳- در احادیث، مبنا قرار دادن شک و ظن مردود شمرده شده است.  
۴- مشاهده هلال ماه در حوزه اختیارات و وظایف حاکم نبوده و از این رو اعتباری ندارد. حاکم صرفاً در مقام بیان حکم شرع بوده و اذن مداخله در موضوع خارجی را ندارد (Rida, 2006).

### نقد و بررسی ادله

۱- پاسخ دلیل نخست: زمانی به اصل می‌شود استناد کرد که برهانی نباشد. در مورد ثبوت هلال به حکم حاکم، ادله مستحکمی وجود دارد که بیان شدند.

۲- پاسخ دلیل دوم: مطالب گفته‌شده دلیلی بر حصر حقیقی نیست، چرا که اگر روایتی راه اثبات هلال را تنها در مشاهده می‌داند قبول کنیم، مفهومی این است که شهادت سپری شدن سی روز متواتر... حجیت نباشد. پس مقصود این روایت محصور نمودن مصادیق ذکرشده نبوده است.

۳- پاسخ دلیل سوم: در صورتی می‌توان راه حاکم در رؤیت هلال ماه را مشمول روایت دوری از ظن شمرد که دلیلی برای حجیت آن در دست نباشد و در صورتی که عکس این باشد حجیت آن مانند دیگر امارات چون بینه، در مشاهده هلال معتبر است و هم‌ردیف ظنون معتبره قرار دارد.

۴- پاسخ دلیل چهارم: حدود حکم حاکم شامل فتواست. حکم حاکم چه در مباحث مخاصمه و غیر آن نافذ است. رأی حاکم و فقیه یکی از شاخه‌های اسلام، برای سایر مقیمان آن دیار و شهر یا شاخه‌ای دیگر صحیح بوده و می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد. به

مانند این که با اعلام امام، آداب حج آغاز می‌شود و پایان می‌یابد. بیشتر فقهای اسلامی، من جمله فقهای امامیه، هم این امر را بیان داشته‌اند (Mousavi Khomeini; Najafi, 1986).

### اتحاد و اختلاف مطالع

از نظر فقهای حنبلی، مالکی و حنفی، در هر سرزمین از ممالک اسلامی اگر هلال رؤیت گردد، حلول ماه رمضان و آمدن عید را در کلیه نقاط اسلامی تأیید می‌کند (Al-Sarakhsi, 1987).

یعنی هر زمان در نقطه‌ای از مناطق، مشاهده هلال تأیید شود، روزه بر دیگر مناطق هم واجب می‌شود و به نظر شاخه‌های حنبلی، مالکی و حنفی، وجه افتراقی میان مناطق نزدیک و دور نیست؛ به دیگر سخن مغایرت مطلع‌ها و غربی یا شرقی بودنشان اساساً موضوعیتی ندارد، برای اینکه رسول خدا (ص) فرموده‌اند «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته»؛ به محض اینکه هلال رؤیت گردید روزه بگیرید و به محض اینکه هلال رؤیت شد افطار کنید (Al-Sarakhsi, 1987).

بر اساس روایات و ظاهر مذهب احناف، تفاوت مطلع‌ها و توفیر آن در نقاط مختلف جهان به هیچ وجه معتبر نبوده و چنانچه در یک منطقه از دنیا رؤیت شود، برای دیگر نقاط عالم رؤیت شده است و بایستی روزه یا افطار اعلام گردد؛ هر وقت که رؤیت ماه در آن منطقه به روش درستی به سایر نقاط منتقل شود (Al-Sarakhsi, 1987).

### ادله جمهور فقها

«صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَاکْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ»

مضمون روایت این است که مشاهده هلال ملاک وجوب روزه و عید فطر است و اگر ماه به علت شرایط جوی نمایان نگردد باید سی روز شعبان شمارش، و مبنا قرار گیرد. همان‌طور که از سیاق عبارات معلوم می‌گردد شرط تحقق وجوب صیام بر جمله‌ی مسلمین، مشاهده و رؤیت بدون تحقق قید دیگری است. از این رو

اما بعضی از فقهای شیعه این قاعده را نپذیرفته و تأیید هلال را فقط به رؤیت هلال نمی‌دانند، بلکه می‌گویند که اولاً مشاهده‌ی ماه طریقت دارد نه موضوعیت و یکی از طرق احراز رسیدن به اول ماه است. دومین نکته این که حلول ماه در سراسر دنیا یکسان بوده و دیگر تفاوت افقی وجود نخواهد داشت (Mahmoudi, 2004).

دسته‌ای دیگر وحدت آفاق به مفهوم فوق را رد کرده و معتقد به اشتراک آفاق هستند، یعنی هر وقت هلال شرعاً در یک منطقه از کره زمین ثابت شد، برای تمام بلاد کفایت می‌کند، چنانکه کلیه نقاط کره خاکی یک افق دارند. از این گروه می‌توان به مرحوم نجفی در کتاب جواهر، فخرالمحققین، علامه در منتهی، آیت‌الله خویی در منهاج الصالحین متذکر شد (Mousavi Khoei, 1989; Najafi, 1986).

مقایسه رؤیت هلال با کسوف هم درست نیست؛ به‌طور مثال چنانچه در یک نقطه کسوف واقع شود اهل آن منطقه مکلف به خواندن نماز آیات هستند، به این روال هم در هر افق هلال رؤیت شود فقط اهل آن منطقه مکلف به حکم شرعی آن می‌باشند؛ برای اینکه روایات تحت عنوان حجت شرعی روشن می‌سازد که در هر شهر کسوف روی دهد «تنها اهل همان شهر» مکلف به خواندن نماز آیات می‌باشند. اطلاق روایات پیشین، برهانی است بر عدم وجوب اشتراک افق در خسوف و کسوف؛ بنابراین اگر هلال در یک منطقه مشاهده شود، برای همه‌ی مناطق کره زمین و ساکنین آنها کافی است. به همین صورت ساعات پیش از مشاهده تا هنگام خارج شدن از تحت الشعاع، از ماه نو محسوب می‌شود. در این خصوص تفاوتی بین ماه روزه و ذی‌الحجه و غیر آنها نیست. بنابراین اگر هلال ماه به‌طور مثال در اسپانیا رؤیت گردد، نمی‌توان بر این باور بود که در تهران هنوز ماه نو آغاز نگردیده است و فرقی میان آن نیست که در تهران و اسپانیا یکی زمان شب و دیگری ساعات روز باشد؛ زیرا این پدیده ملازمه‌ای با نمایان شدن هلال

اطلاق حکم مذکور نمایانگر این است که مشاهده‌ی هلال توسط دسته‌ای از مردم یا گواهی که شهادتش مورد وثوق قرار گیرد، برای سایرین کفایت نموده و می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

### ملاک اتحاد و اختلاف مطالع در فقه امامیه

اسلام زمان نماز، روزه، هلال، و امثالهم را بر طبق افق حسی نهاده است و افق حسی مفهوم درست و مبینی ندارد، چرا که افق حسی هر منطقه از نقاط و شهرهای روی زمین سوای افق دیگر مناطق است.

شیخ طوسی در مبسوط گفته است: «هرگاه هلال، در شهر دیده نشود و در خارج بلد دیده شود، در صورتی عمل به آن واجب است که شهرهایی که در آن هلال دیده شده است به هم نزدیک باشند؛ مانند بغداد، واسط و کوفه، تکریت و موصل، نه مثل بغداد و خراسان یا بغداد و مصر، که در این صورت دارای یک حکم نخواهد بود» (Al-Tusi, 1987).

علامه حلی در شرایع این مطلب را مورد تأیید قرار داده و پذیرفته و سید محمدکاظم طباطبایی یزدی در عروة الوثقی و علامه در تذکره آن را برگزیده و مبنای فتاوی خود قرار داده، بر اساس آن فتوا داده و معروف شده است (Al-Hilli, 1993; Mousavi, 1996; Khoei, 1989; Tabataba'i Yazdi, 1996).

محمد صدر، تفاوت افق را صحیح نپنداشته و برهانش این است که هر نقطه افق خاصی دارد و مقصود یک موقعیت مکانی خاص از یک شهر نیست و در واقع مقصود بلاد متعدد یک گستره‌ی وسیع مثل مصر و عراق را شامل می‌شود و بلاد غربی‌تر را هم شامل می‌شود، برخلاف شهرهای شرقی که مشمول نمی‌شود؛ به این ترتیب آفاق آنها جدا و متفاوت است (Sadr, 2004). علامه تهرانی یگانگی افق‌ها را مبنا دانسته است، لیکن ارزیابی و معیار آن را بین یک لحظه تا بعد ۸ درجه ۸° برابر با سی دقیقه قرار داده و مازاد بر آن را ملاک تفاوت افق است و موجب می‌گردد حکم آن شهر بر آن بار نشود (Hosseini Tehrani).

ماه ندارد. از این رو هلال برای سیاره‌ی زمین یک پدیده واحد است. گرچه باید به این نکته دقت نمود که ملاک محاسبه باید اولین باری باشد که هلال رؤیت می‌گردد. مبحث رؤیت بر اساس حکومت شهرهای مجاور را در بر می‌گیرد اما به بلاد دور نمی‌رسد. پس باید اطلاعات محدود شوند ( Mokhtari & Nemati, 2004).

مطلبی است که در وادی و عرصه‌ی تحقیق دور است، چرا که اولاً، قرآن کریم دلالت بر آن دارد که لغات به‌کاربرده‌شده در قرآن و احادیث ظاهر عرفی خود را حفظ نموده و هرگز عرف متشرعه از آن «موضوعیت» بهره نمی‌برد. بلکه به ظهور عرفی و کشفی خویش استوار است؛ آیاتی مثل کتب علیکم الصیام... شهر الرمضان الذی انزل فیہ القرآن... (بقره آیات ۸۳-۸۵) و همچنین کلمه «شهر» (ماه) یک معنای عرفی دارد و از مستحدثات فقه نیست. عرف از واژه‌ی «شهر» ماه را استنباط می‌کند نه «رؤیت ماه». ماه یک امر واقعی تکوینی است و رؤیت دخلی به آن ندارد. لذا ظاهر آیات و روایات کلاً کشفی است. ثانیاً حدیث پیامبر (ص) که فرمودند: «صوموا لرؤیته الهلال و افطروا لرؤیته» بر وجوب احراز ماه استوار است و نباید به حدس و احتمال اکتفا کرد، همان‌طوری که ذیل صحیح‌ه محمد بن مسلم فرمود: «و لیث بالرأی ولا بالتظنی و لکل بالرؤیته» (Al-Kulayni al-Razi, 1986). همچنین در آیه ۹۶ سوره انعام آورده شده خداوند شب را موجب آسایش و خورشید و ماه وسیله شمارش روزها و دریافتن نظم آنها قرار داده است و با این ملاک می‌توان سال و ماه شمسی و قمری را محاسبه نمود.

### نتیجه‌گیری

با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان، موضوع رؤیت هلال ماه از نظر مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. از حیث نجومی، شروع هر ماه قمری، ماه نو، مقارنه‌ی ماه و خورشید، نامیده می‌شود. در این وضع ماه میان خط واصل خورشید و زمین قرار دارد و قسمت روشن ماه دقیقاً سمتی است که قابل رؤیت نیست. یکی دو روز بعد، ماه

به شکل هلال شامگاهی مشاهده می‌شود و پس از چند روز به تربیع اول می‌رسد که به این صورت ماه ربع مدار خود را پیموده است. ماه با طی کردن نیمی از مدارش به حالتی می‌رسد که همه‌ی بعد نورانی آن مشرف به سیاره زمین است که بدر یا ماه کامل نامیده می‌شود. مراحل مذکور تا آستانه ماه بعد به‌صورت معکوس امتداد می‌یابد. فاصله‌ی زمانی بین دو ماه جدید متوالی «دوره تناوب هلالی» نام دارد که تقریباً ۵/۲۹ روز بوده و به اندازه‌ی یک ماه قمری است. و از آنجایی که تعداد روزهای یک ماه نمی‌تواند عدد اعشاری قرار گیرد، هر ماه قمری در تقویم ۳۰ یا ۲۹ روز است. تفاوت در ملاک آغاز ماه نو در ممالک اسلامی از اهم عوامل است. یعنی شهادت دو مرد عادل مسلمان را برای شروع ماه قمری کافی می‌دانند، هرچند نظر آنها بر محاسبات نجومی منطبق نباشد؛ گروهی تنها رؤیت هلال را با چشم غیرمسلح می‌پذیرند و دسته‌ای دیگر، به‌کارگیری وسایل و ابزار چشمی را جایز دانسته‌اند. فقهای اسلام برای تأیید رؤیت هلال اول ماه به حدیث معروف «صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته» متوسل شده‌اند. لیکن با عنایت به تفاوت‌های زمانی و مکانی، نظرات مذاهب اسلامی مختلف شده است.

۱- مذاهب ثلاثه اهل سنت، حنفی، مالکی، حنبلی، جملگی اتفاق نظر بر عدم تفاوت آفاق دارند؛ یعنی اینکه در هر جایی از جهان اسلام هلال رؤیت شود، بدون در نظر گرفتن بعد مسافت، برای دیگر نقاط جهان اسلام همان حکم صادق است و احکام مربوط بر آنها استوار و مؤثر است.

۲- مذاهب شافعی و امامیه در مورد تفاوت آفاق هم‌رأی بوده و بعد مسافت و آفاق را از جهت مکانی در نظر دارند، چون فاصله باعث تفاوت زمانی می‌شود؛ چنانکه بعد مسافت ایران و آمریکا موجب تفاوت زمان ۱۲ ساعتی شده است. بنابراین این دو مذهب معتقدند رؤیت هلال در یک نقطه تنها آن منطقه را شامل می‌شود، نه دیگر نقاط جهان اسلام. از مطالب بیان‌شده معلوم می‌شود که

بر روی سیاره زمین حداکثر تفاوت زمانی ۱۲ ساعته وجود دارد که خود یک شب یا روز تمام است.

اما عقیده بر اتحاد افق در شاخه‌های حنبلی، مالکی و حنفی، اغلب بر مبحث کلامی موضوع تأکید نموده و توافق دنیای اسلام مورد نظر آنهاست، اما در بین فقهای امامیه برخی از آنها چون ملا احمد نراقی، محقق، علامه حلی و... بر نظر فقیهان شاخه‌های ثلاثه تسنن صحه گذاشته و مشاهده هلال ماه در هر منطقه از دنیا را همانند دیگر مناطق آن می‌پذیرند. و در پایان حداقل کشورهایی که تقریباً شش ساعت بعد مسافت دارند، رؤیت هلال برای تمام آنها تأیید شده و حکم آن نافذ است. تقریباً می‌شود پذیرفت کشورهای آسیایی با فاصله شش ساعت حکم یکی است و نافذ.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

Crescent moon sighting occupies a central position in Islamic jurisprudence because it functions not merely as an astronomical phenomenon, but as a legal and ritual marker through which the beginning and end of several religiously significant lunar months are determined. The months of Ramadan, Shawwal, and Dhu al-Hijjah are especially important because their commencement affects fasting, the celebration of Eid al-Fitr, pilgrimage rites, sacrificial worship, waiting periods, devotional duties, and other social and legal consequences within Muslim communities. The Qur'anic reference to lunar crescents as "appointed times for people and for Hajj" establishes the crescent as a temporal sign connected with both individual acts of worship and collective religious order. In this sense, sighting the crescent is not an isolated ritual practice, but a juridical mechanism through which religious obligation becomes temporally operative. The prophetic tradition

اتفاق نظر جهان اسلام در رابطه با حکم رؤیت هلال، اتحاد در روز عید، روز آغاز ماه نو و... منطبق بر عقل است و با دستاوردهای علمی هم‌نوا و با خلق تطابق دارد و از طرفی از منظر کلامی با جهانی بودن اسلام موافق است و اینکه دنیا از لحاظ ارتباط همچون دهکده‌ای است که در آن انجام معاملات، ادای دیون و... به‌آسانی امکان‌پذیر است. این نظریه با دلایل شرعی هم تماماً هماهنگ و منطبق است و روایت‌های بسیاری به آن منتسب یا ملزم و حتی به روشنی بر آن تعمیم داده می‌شود و حکم به رأی اتحاد افق، بعد مسافت، در شاخه‌های امامیه و شافعی و مطابق برخی دلایل، بعد مسافت مسبب تفاوت زمان است:

سطح سیاره زمین صاف نبوده و این متغیر عامل تفاوت زمان است. تفاوت مشاهده هلال و طلوع خورشید ماه به‌واسطه کروی بودن است.

"Fast when you see it and break the fast when you see it" has therefore become the foundational textual basis for the jurisprudence of crescent sighting across Islamic schools of thought (Al-Bukhari, 1987). Classical jurists developed this principle into detailed rules concerning direct sighting, testimony, completion of thirty days, the authority of the ruler, and the relevance or irrelevance of astronomical calculation (Al-Sarakhsi, 1987; Al-Shafi'i, 1973; Al-Tusi, 1987). The importance of the issue becomes clearer when one observes that differences in crescent-sighting criteria may lead to different rulings on the beginning of the same lunar month in adjacent or distant regions. Thus, the problem examined in this study is not only how the crescent is established, but also why legal plurality emerges among Muslim communities despite their shared reliance on the Qur'an and Sunnah.

This study adopts a descriptive-analytical approach and examines the jurisprudential

positions of the major Islamic schools regarding the proof of the lunar crescent. The discussion is grounded in classical and later juristic sources representing the Sunni and Imami traditions, with particular attention to the Hanafi, Maliki, Shafi'i, Hanbali, and Imami schools. The article first clarifies the concept of *hilal*, which linguistically refers to the newly visible crescent and is associated with public proclamation, invocation, and the emergence of a new lunar phase. Jurists and lexicographers have differed over whether the term applies only to the first night, the first two nights, or the first three nights of the lunar month, but the common juridical meaning concerns the first visible emergence of the moon after conjunction in a manner that makes sighting possible (Ibn Juzayy al-Maliki, 2010). The study then examines the principal means of proving the crescent: actual sighting, completion of thirty days of the previous month, testimony of witnesses, astronomical calculation, and the ruling of the competent authority. These methods are not treated as merely technical procedures, but as legal indicators whose validity depends on each school's theory of evidence, certainty, public authority, and ritual obligation. The Imami tradition, for example, places strong emphasis on sighting and legally reliable proof, while also preserving internal debates concerning the authority of the ruler and the geographical extension of sighting (Al-Kulayni al-Razi, 1986; Mousavi Khoei, 1989; Najafi, 1986). Sunni jurisprudence likewise contains both convergence and divergence, especially on the evidentiary value of testimony, the number and qualifications of witnesses, and the effect of sighting in one locality upon other localities (Ibn Qudamah al-Hanbali; Ibn Rushd al-Qurtubi, 1989).

The findings show that one of the primary areas of disagreement among Islamic schools concerns the required form and scope of sighting. In the Hanafi school, when the sky is

clear, widespread sighting by a significant number of people is generally emphasized, whereas in cloudy conditions the testimony of one upright witness may suffice in certain cases (Al-Sarakhsi, 1987). In the Maliki and Imami traditions, the testimony of two just witnesses is commonly treated as a reliable means of establishing the crescent, although specific qualifications and contextual conditions vary across jurists (Al-Kulayni al-Razi, 1986; Al-Tusi, 1987; Ibn Juzayy al-Maliki, 2010). The Shafi'i and Hanbali traditions also accept witness testimony, but differ regarding the number of witnesses required for Ramadan and Shawwal and the conditions under which testimony is accepted (Al-Shafi'i, 1973; Ibn Qudamah al-Hanbali). A second agreed method is the completion of thirty days of the preceding month, particularly Sha'ban before Ramadan and Ramadan before Shawwal, when sighting is not established. This method is strongly grounded in prophetic reports and reflects the juristic preference for a practical and accessible standard when direct sighting is prevented by cloud, dust, or observational uncertainty (Al-Bukhari, 1987). The disagreement becomes more pronounced when the discussion turns to astronomical calculation. Many classical jurists rejected calculation as an independent basis for establishing the lunar month because they considered ritual obligation to be linked to legally recognized sighting rather than mathematical prediction (Al-Hilli, 1993; Al-Shahid al-Awwal, 1993; Zayn al-Din, 2007). Nevertheless, some contemporary-oriented discussions argue that precise astronomical data can assist in eliminating impossible claims of sighting and reducing public disagreement, especially when used as corroborative evidence rather than as a complete substitute for legally recognized proof (Al-Qaradawi, 1991; Mahmoudi, 2004; Mokhtari & Nemati, 2004).

Another major axis of disagreement concerns the unity or plurality of lunar horizons. The question is whether sighting the crescent in one region establishes the beginning of the month for all Muslims, or only for regions that share the same or sufficiently close horizon. The Hanafi, Maliki, and Hanbali positions are often presented as favoring the broader legal effect of sighting, so that once the crescent is established in one part of the Muslim world through valid means, the ruling may extend to other regions without strict regard to geographical distance (Al-Qarafi, 1994; Al-Sarakhsi, 1987; Ibn Qudamah al-Hanbali). This position is generally grounded in the universal wording of the prophetic command to fast and break the fast upon sighting, understood as addressing the Muslim community collectively rather than each locality independently. By contrast, many Shafi'i and Imami jurists give greater weight to the difference of horizons, arguing that sighting in one region does not necessarily bind distant regions whose horizons differ substantially (Al-Shafi'i, 1973; Al-Tusi, 1987). Within Imami jurisprudence, however, the matter remains internally debated. Some jurists maintain that shared or close horizons are necessary, while others argue for the sufficiency of sighting in one part of the world, especially where the sighted region is westward or where the astronomical possibility of sighting extends across a broader geographical zone (Mousavi Khoei, 1989; Najafi, 1986; Tabataba'i Yazdi, 1996). Later discussions refine these positions by distinguishing between the ontological reality of the lunar month and the evidentiary role of sighting. On this basis, some jurists argue that sighting is a means of disclosure rather than the cause of the month's existence, while others insist that legally binding obligation requires a locally or horizon-relevantly established form of proof (Hosseini Tehrani; Sadr, 2004).

The study further shows that the ruling of the competent authority plays an important role in the social and legal management of crescent-sighting disputes. In the Prophetic period, the Prophet personally received testimony, examined witnesses, and announced the beginning or end of the fasting month, thereby combining religious authority, evidentiary assessment, and public legal order (Al-Bukhari, 1987). Later jurists debated whether the ruler's declaration is independently binding in matters of crescent sighting. Some Shafi'i and Imami jurists accord substantial authority to the ruler or qualified jurist, especially when a public ruling is needed to prevent communal division and practical disorder (Al-Shafi'i, 1973; Mousavi Khomeini; Najafi, 1986). Other jurists are more cautious, arguing that the ruler's function is not to create the fact of the crescent, but to judge whether valid evidence has been established. In the Hanafi, Maliki, and Hanbali discussions, different views appear concerning whether the ruler's ruling is binding in purely devotional matters or only in disputes involving rights, litigation, and public administration (Al-Qarafi, 1994; Al-Sarakhsi, 1987; Ibn Qudamah al-Hanbali). Despite these differences, the social function of public authority remains significant, because lunar-month determination affects collective worship, public holidays, institutional schedules, and the unity of religious practice. Contemporary jurists who emphasize Muslim unity often argue that where complete global agreement is unattainable, at least national or regional coordination should be pursued through recognized authority, reliable observation, and disciplined evidentiary procedures (Al-Qaradawi, 1991; Rida, 2006; Sarami, 1998). This indicates that crescent sighting is not only a question of private religious certainty, but also a matter of public law, communal order, and institutional legitimacy.

In conclusion, the jurisprudence of crescent moon sighting demonstrates the dynamic relationship between revelation, legal reasoning, empirical observation, and public authority in Islamic law. The plurality of rulings among Islamic schools does not arise from disregard for scriptural evidence, but from different understandings of how sighting, testimony, certainty, locality, astronomical knowledge, and governmental authority should be integrated into a binding legal framework. The study concludes that a balanced approach is possible: one that preserves the jurisprudential foundations of the Islamic schools while also benefiting from reliable observational reports, definite astronomical data, and coordinated public decision-making. Such an approach does not necessarily abolish doctrinal difference, nor does it require all schools to abandon their inherited legal principles. Rather, it seeks to reduce avoidable disagreement, prevent contradictory public practice within the same community, and strengthen practical unity among Muslims. The most workable path is therefore not the replacement of classical jurisprudence with purely technical calculation, nor the rejection of modern astronomical knowledge, but the disciplined integration of legally valid sighting, trustworthy testimony, scientific certainty, and competent public authority. Through this integration, the determination of Ramadan, Shawwal, Dhu al-Hijjah, and other lunar months can better serve both devotional accuracy and social cohesion within Muslim societies.

## References

- Al-Bukhari, M. i. I. i. (1987). *Sahih al-Bukhari*. Dar Ibn Kathir.  
 Al-Hilli, H. i. Y. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha'*. Al al-Bayt Institute.  
 Al-Kulayni al-Razi, A. J. f. M. i. Y. q. (1986). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.  
 Al-Qaradawi, Y. (1991). *Taysir al-Fiqh: Fiqh al-Siyam*. Al-Risalah Foundation.

- Al-Qarafi, S. a.-D. A. i. I. (1994). *Al-Dhakhirah*. Dar al-Gharb al-Islami.  
 Al-Sarakhsi, S. a.-D. (1987). *Al-Mabsut*. Dar al-Ma'rifah.  
 Al-Shafi'i, A. A. M. i. I. (1973). *Al-Umm*. Dar al-Ma'rifah.  
 Al-Shahid al-Awwal, M. i. M. (1993). *Al-Durus al-Shar'iyyah fi Fiqh al-Imamiyyah*. Islamic Publishing Institute of the Society of Seminary Teachers.  
 Al-Tusi, M. i. H. (1987). *Al-Khilaf*. Islamic Publishing Institute of the Society of Seminary Teachers.  
 Hosseini Tehrani, M. H. *Treatise on the Issue of Sighting the Crescent Moon*. Author.  
 Ibn Juzayy al-Maliki, A. a.-Q. M. i. A. (2010). *Al-Qawanin al-Fiqhiyyah*. Dar al-Arqam.  
 Ibn Qudamah al-Hanbali, M. a.-D. *Al-Mughni, Followed by al-Sharh al-Kabir 'ala Matn al-Muqni'*. Dar al-Kitab al-Arabi.  
 Ibn Rushd al-Qurtubi, M. i. A. (1989). *Bidayat al-Mujtahid wa Nihayat al-Muqtasid*. Dar al-Jil.  
 Mahmoudi, S. M. (2004). *New Issues from the Viewpoint of Scholars and Religious Authorities*. Saheb al-Zaman Publications.  
 Mokhtari, R., & Nemati, M. R. (2004). *Sighting the Crescent Moon*. Bustan-e Ketab.  
 Mousavi Khoei, S. A. a.-Q. (1989). *Minhaj al-Salihin*. Madinat al-Ilm.  
 Mousavi Khomeini, R. *Tahrir al-Wasilah*. Dar al-Islamiyyah.  
 Mughniyah, M. J. (2004). *Fiqh al-Imam Ja'far al-Sadiq*. Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.  
 Najafi, M. H. (1986). *Jawahir al-Kalam*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.  
 Rida, M. R. (2006). *Haqiqat al-Siyam wa Hikmatuhu wa Fawa'iduhu*. Dar al-Nashr al-Jami'at.  
 Sadr, S. M. (2004). *Ma Wara' al-Fiqh*. Dar al-Adwa'.  
 Sadr, S. M. B. *Al-Fatawa al-Wadihah*. Dar al-Bashir.  
 Sarami, S. (1998). *Hisbah as a Governmental Institution*. Bustan-e Ketab.  
 Tabataba'i Yazdi, S. K. (1996). *Al-Urwah al-Wuthqa*. Islamic Publishing Institute.  
 Zayn al-Din, M. A. (2007). *Kalimat al-Taqwa*. Wafa Publishing.